



گوناگون

- نامه‌های پدری به فرزند خود / غلامعلی مصدق
- کارنامه دو ساله / دکتر انور خامه‌ای
- نامه سرگشاده به مجله نشنال جئوگرافیک / دکتر تورج دریایی
- نامه سرگشاده به میراث‌داران زبان و فرهنگ ایران / دکتر مظاهر مصفا

# نامه‌های دکتر محمد مصدق

غلامعلی مصدق

به فرزندش احمد

۲۴۵

از سال ۱۳۵۷ که نوشتن در مورد دکتر محمد مصدق ممکن شد کتب و مقالات زیادی در شرح احوال ایشان بزیور طبع آراسته گردید. در میان این کتابها، یکی، اثر ارزشمندی است که جناب آقای محمد ترکمان تهیه و در دو جلد بچاپ رسانیده است. در این کتاب، نامه‌ها و مکاتبات مرحوم مصدق با افراد مختلف بترتیب سنوات زندگی آن شادروان درج گردیده است. امید است این اقدام شایسته جناب آقای ترکمان و دیگر محققان و پژوهشگران تاریخ معاصر ادامه یابد و گوشه‌های ناشناخته شخصیت مرحوم مصدق از لابلای نوشتجات آن بزرگواری بر علاقه‌مندان آشکار گردد.

چندی قبل، ضمن ملاقاتی با جناب سرهنگ کیومرث راستین، نوه خانم دفتر الملوک (خواهر دکتر مصدق) و خواهرزاده همسر شادروان مهندس احمد مصدق، نامه‌هایی بدستم آمد که مکاتبات دکتر محمد مصدق با فرزند خود را شامل می‌شد. از میان آنها چهار نامه را انتخاب کردم که در این شماره مجله بخارا بچاپ میرسانم. البته گمان می‌کنم پیش از من، این نامه‌ها بوسیله جناب آقای ترکمان در جلد دوم مجموعه نامه‌های دکتر مصدق بچاپ رسیده باشد. مع الوصف، تجدید چاپ متن نامه‌ها به‌مراه تصاویرشان را در مجله وزین «بخارا» خالی از لطف نمی‌دانم. امید است این وجیزه مورد پسند تاریخ دوستان واقع گردد.



● غلامعلی مصدق (عکس از علی دهباشی)

۲۴۶

متن نامه اول:

۱۲ آذر ماه ۱۳۴۴

قربان احمد عزیزم

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

کاغذ شما و پارچه کت و شلوار رسید. بسیار خوب است. پارچه دیگری شما رسیده و آن را می‌دوزند و این پارچه را عجلاله نگاه می‌دارم تا بعد برای لباس بکار برود. ولی قیمت آن را باید بپردازم. اگر قیمت آن را ننویسید پارچه را پس می‌فرستم. بین ما تعارف غلط است. من اگر چیزی نداده باشم نمی‌خواهم چنانچه کاری باشد باید برای من انجام بدهید تعارف کار خوبی نیست چون من که چیزی ندارم که این تعارفات تو را جبران کنم و باید همیشه خجالت و شرمنده بمانم. این ورقه را بدهید قدسی عزیزم<sup>۱</sup> که قربانش بروم بخواند و قیمت آن را برایم بنویسد.

قربانت پاپا

متن نامه دوم:

۱. خانم قدس اعظم مظفری، همسر مهندس احمد مصدق.

احمد آگار نرسندہ ۱۳۴۵

قربان احمد عزیزم  
گردد بندہ کے لئے یہ لکھ کر دے کہ اگر کسی کو  
جو کہ ہر روز یہ لکھ کر دے اور روزانہ اس کو  
گزار دے تو اس کا ہر شے میں عیب و نقص  
مٹ جائے گا اور اس کو ہر شے میں کامیابی  
میں نصیب ہوگی اور اس کو ہر شے میں کامیابی  
میں نصیب ہوگی اور اس کو ہر شے میں کامیابی

احمد آباد شہر یور ماہ ۱۳۴۵

قربان احمد عزیزم

گردن بندہ ہایی کہ شما آوردید موجب گله گذاری شدید شده است؛ چونکہ بهمہ نرسید و بعضی گرفتند از من نمی دانم قیمت آن چه مبلغ است. اگر زیاد نیست و از یکی دو تومان بیشتر نیست دو سه عدد دیگر بفرستید کہ بہر کسی دادہ نشدہ برسد و رفع گله بشود. ولی اگر بیش از دو تومان است ہر چه می خواهند گله بکنند لزوم ندارد کہ یک خرج بپہودہ بشود.

قربانت پایا

متن نامہ سوم:

۹ اسفند ماہ

قربان احمد عزیزم

کاغذ شما رسید. راجع بکار بیمارستان همانطور کہ نوشتہ اید رسیدگی خواہد شد. غلام

تعهد کرده اینکار را انجام دهد و مرا متعهد کرد که هیچگونه دخالتی در کار او نکنم البته ببینم چه خواهد کرد. بنابراین خوب است که هیچیک از ما دخالت نکنیم و او بمسئولیت خود عمل کند. راجع به لباس دانش‌آموزان عباس آباد<sup>۱</sup> نوشتم که مهندس اخوان را بپیرید اگر لباسی باید خریداری شود عده دانش‌آموزان را معلوم کنید.

و دستور بدهید تا احمدی با مهندس محمود این کار را بکنند و الا وجه را بهرکسی که مورد اطمینان است و سوء استفاده نخواهد کرد بدهید که خودش در این کار اقدام کند. بنظر من اگر لباسی خریداری شود بهتر است.

متن نامه چهارم:

قربان احمد عزیزم

پاسخی باظهارت من داده‌اند و فرستادید دیدم. چون در روزنامه خواندم که آقای لطفی خاطرات خود را در زندان سلطنت آباد نوشته و اکنون بطبع رسیده است یک نسخه از آن برایم بفرست. از اینکه کار اجاره‌نامه املاک موقوفه پایان یافت خوشوقتم. من هیچ نمی‌خواهم تو را ناراحت کنم. در اینصورت چون کار مهمی نیست روز جمعه بیجهت بخود زحمت نده. هفته بعد اگر کاری بود یک روز خواهی آمد.

قربانت

پاپا